«ایران،اخوان و خیزش های عربی، ناگفته ها و شگفتانه ها»



در ابتدا دکتر عباس خامه یار نویسنده اثر با اشاره به خاطره ای از دیدار با رهبر شهید، اظهار داشت: آخرین باری که به صورت خصوصی به دیدار رهبری شهید رفتیم، قبل از جنگ بود. جمع کوچکی حدود پنج، شش نفر شامل آقای عراقچی، شهید خرازی، آقای قمی و چند نفر دیگر بودیم؛ رهبری درباره نوشته‌های اینجانب بیاناتی فرمودند که خیلی ارزشمند بود، موقع خداحافظی حدود سه دقیقه درباره اخوان صحبت کردند، این بدین معنا است که تمام منظومه فکری که رهبری شهید در آن سه دقیقه گفتند، نشان میدهد چقدر عمیق و دقیق کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند و به خاطر می‌سپارند.

وی افزود: در نشست اربعین با نخبگان عرب از کشورهای مختلف، به تحلیلگران گفتم «خیلی مانده است تا آقای شهید را بشناسیم»، مثل شهدای صدر اسلام که در زمان خودشان شناخته نشدند، رهبری شهید نیز با آن منظومه فکری و جامعش که هم بحث امت، هم تمدن‌سازی و هم تقریب مذاهب را در چارچوب اربعین مطرح می‌کردند، در آینده بهتر شناخته می‌شوند.

دکتر خامه یار در ادامه با توضیحاتی پیرامون اثر ،اذعان داشت:

اسلام سیاسی و اخوان‌المسلمین

- اخوان سازمانی: تشکیلات رسمی با مرشد و ساختار
- مکتب فکری اخوان: یک جریان فکری که خیلی از شخصیت‌های شاخص اهل سنت، حتی بدون وابستگی سازمانی، در چارچوب آن فکر می کنند؛ شیخ محمد غزالی و قرضاوی علی‌رغم اینکه اصرار کردند مرشدی اخوان را بپذیرند، نپذیرفتند و وابستگی تشکیلاتی نداشتند، اما از نظر فکری در همون چارچوب بودند.

معتدل‌ترین و همگراترین جریان اسلام سیاسی اهل سنت نسبت به تشیع و ایران، اخوان است، لذا اگر کسی می تواند حتی یک جمله از مرشدهای اخوان از حسن البنا تا محمدمهدی عاکف علیه جمهوری اسلامی، امام، رهبری یا تشیع پیدا کند، هیچ جمله ای نیست.

کتاب و روند شکل‌گیری

جلد اول:
- پایان‌نامه فوق‌لیسانس بنده در دانشگاه تهران با عنوان «ایران و اخوان‌المسلمین: عوامل همگرایی و واگرایی»
- استاد راهنمای بنده مرحوم شیخ‌الاسلام بودند
- کتاب ابتدا در بیروت توسط مرکز دراسات چاپ شد
- اولین اثر در این حوزه محسوب می‌شود و تا به امروز هم موافقان و هم مخالفان بدان استناد می‌کنند

جلد دوم:
- دوستان اصرار داشتند جلد دوم نوشته بشود، ۹ سال طول کشی و خیلی بیشتر از آن چیزی که فکر می‌کردم، هر جا می‌رفتم یه چاه جدید باز می‌شد و باید دنبال راه خروج می‌گشتم، یه جایی حتی قسم خوردم ادامه ندم، مخصوصاً بعد از سقوط بشار اسد و طوفان الاقصی؛ اما در نهایت کتاب را به رهبری تقدیم کردم و اعلام وصول شد، البته آرزو داشتم به خودشان تقدیم کنم که نشد.

از اینرو با شجاعت می‌گویم در منابع فارسی درباره روابط ایران و اخوان و تحلیل خیزش‌های عربی از منظر ایرانی، چیزی باقی نذاشتم که گفته نشده باشد، لذا این ادعا را دارم که موضوع به بحث و مناظره بگذارم.

استقبال و تأییدها

- رونمایی در دانشگاه تهران با پوشش زنده شبکه‌های مختلف

- یکی از بزرگان حوزه بعد از دیدن فهرست و منابع، کتاب را بوسید و دستور داد ۵۰ نسخه برای مراکز پژوهشی قم خریداری شود.

- این استقبال خستگی ۱۰ ساله را از بین برد

- کتاب قبل از نشر به اساتید داده شد، با دقت خوانده و نقد شد و نقدها برطرف گردیده است

حجت الاسلام والمسلمین مهدی فرمانیان، کارشناس کلام، فرق و مذاهب اسلامی در این نشست با اشاره به مطالعه و بررسی کتاب «ایران، اخوان و خیزش‌های عربی؛ ناگفته‌ها» گفت: حدود یک ماه زمان برد تا این کتاب را به‌طور کامل بخوانم. منابع این کتاب صرفا کتابخانه‌ای نیست و درواقع می‌توان گفت نویسنده؛ علاوه بر استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از منابع میدانی، رسانه‌ای و حتی روزنامه‌ای بهره برده و با افراد مختلف ارتباط برقرار کرده است.

این استاد دانشگاه با اشاره به تسلط نویسنده بر تحولات جهان عرب بیان کرد: ویژگی دیگر این کتاب، تسلط نویسنده بر اوضاع جهان عرب است. روابط سیاسی، فرهنگی و غیرسیاسی در جهان عرب بسیار پیچیده است و حتی در مقایسه با ایران نیز با پیچیدگی‌های خاص خود مواجه است. نویسنده به‌خوبی این پیچیدگی‌ها را می‌شناسد و همین تسلط بر مسائل جهان عرب از ویژگی‌های مثبت کتاب محسوب می‌شود.

وی افزود: همچنین در کتاب به متفکران و جریان‌های فکری جهان عرب توجه شده و نویسنده تلاش کرده است فضای فکری و سیاسی شکل‌گرفته در این منطقه را معرفی کند. به همین دلیل، این اثر از نظر اطلاعاتی کتاب قابل توجهی است. بخش «ناگفته‌ها» در بخش عنوان کتاب خوب است و مطالب ناگفته فراوانی در کتاب وجود دارد.

توضیحاتی که نویسنده درباره متفکران عرب ارائه کرده نیز ارزشمند است و اگر کسی صرفا همین بخش را استخراج کند، می‌تواند مجموعه‌ای قابل توجه درباره معرفی روشنفکران و متفکران سیاسی جهان عرب داشته باشد.

وی ادامه داد: با این حال، یکی از نکاتی که به نظرم درباره عنوان کتاب وجود دارد، نسبت میان حجم کتاب و موضوع «ایران» است. از حدود ۹۷۸ صفحه کتاب، تقریبا ۷۹۷ صفحه ارتباط مستقیمی با ایران ندارد و بحث ایران از حدود صفحه ۷۹۸ آغاز می‌شود. بخش عمده صفحات ابتدایی به تحولات جهان عرب و

اتفاقاتی اختصاص دارد که در جریان بهار عربی رخ داده است.

فرمانیان با اشاره به کاربرد عنوان «بهار عربی» و «بیداری اسلامی» برای تحولات سال ۲۰۱۱ گفت: این نکته البته الزاماً مربوط به خود کتاب نیست، اما در سال ۲۰۱۱ که اتفاقات جهان عرب رخ داد، در ایران از تعبیر «بیداری اسلامی» استفاده شد، در حالی که در جهان عرب برای این مجموعه تحولات، تعبیر «بهار عربی» به کار رفت. دلیل آن نیز این بود که پیش از آن، تعبیر بیداری اسلامی برای مجموعه دیگری از تحولات و جریان‌ها استفاده شده بود. بنابراین، خود جهان عرب نیز به سمت استفاده از تعبیر «بهار عربی» رفت و به نظرم لازم بود این موضوع با دقت بیشتری رصد شود.

وی تصریح کرد: البته اختصاص حدود ۸۰۰ صفحه به تحولات جهان عرب به خودی خود ایرادی ندارد و بحث بسیار خوبی است، اما اگر قرار است محور اصلی کتاب «ایران و اخوان» باشد، انتظار می‌رود از ابتدا ارتباط اخوان با ایران دنبال شود؛ یعنی مشخص شود نخستین ارتباطات اخوان با ایران در چه زمانی و در چه شرایطی شکل گرفت، نخستین ارتباطات میان شخصیت‌ها و جریان‌ها چگونه بود و این ارتباطات چگونه در طول زمان ادامه پیدا کرد تا به شرایط امروز برسد.

فرمانیان بیان کرد: سیر بحث در برخی قسمت‌ها به‌گونه‌ای نیست که فصل‌ها و مطالب به صورت زنجیروار به یکدیگر متصل شده باشند. گاهی احساس می‌شود مطالب و قالب‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، اما ارتباط میان آنها به اندازه‌ای که انتظار می‌رود، روشن نیست. یکی از مشکلات دیگر، استفاده متعدد از عناوین مبهم است. نویسنده برای فصل‌ها و بخش‌های مختلف عناوینی مانند «رسوبات خاموش» و «صداهای بی‌مغز» انتخاب کرده است که ممکن است این عناوین از نظر ادبی جذاب باشند، اما در یک کتاب علمی معمولا بهتر است عنوان‌ها شفاف باشند تا خواننده از همان ابتدا متوجه شود این بخش درباره چه موضوعی است.

در ادامه دکتر سیدعلی بطحایی دیگر ناقد اثر، گفت:

فقدان چارچوب نظری مشخص

کتاب متغیرهای زیادی را بررسی کرده است؛ اخوان سوریه، اخوان اردن، اخوان مصر، جریان‌های مستقل و واسط، یک چارچوب شفاف که بگوید این متغیرها چطور دسته‌بندی می‌شوند، چه نسبتی با هم دارند و بر چه مبنایی مقایسه می‌شوند، وجود ندارد؛ خواننده نمی‌تواند بفهمد چه جریانی «اخوانی» محسوب می‌شود

و دیگری نه، یا مرز بین «اخوان مستقل» و «واسط» کجاست، این باعث می‌شود تحلیل‌ها تا حدی توصیفی باقی بمانند، نه نظام‌مند.

پرسش‌های توصیفی به جای تبیینی

پرسش اصلی کتاب این است، «دیدگاه جریان‌های مختلف اخوان درباره تشیع چیست؟» این یه پرسش توصیفی‌ست، می‌گوید چه هست، اما نمی‌گوید چرا هست. اگر پرسش این بود، «چرا جریان‌های مختلف اخوان دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به تشیع دارند؟» یا «چه عواملی باعث همگرایی یا واگرایی آن‌ها با ایران شده؟»، آن وقت پژوهش وارد لایه تبیینی می‌شد. یعنی به جای گزارش وضع موجود، به دنبال علت‌ها و مکانیسم‌ها می‌گشت. اینطوری پژوهش مسئله‌محور می‌شد و می‌تواند به پیش‌بینی و سناریوسازی هم کمک کند.

خوش‌بینی در تفسیر نشانه‌های همگرایی

چند مثال نقض در کتاب هست که نشان می‌دهد صرف وجود یه رویداد به معنای همگرایی عمیق نیست:

سفر محمد مرسی به تهران و سفر احمدی‌نژاد به قاهره / کتاب این را نشانه همگرایی گرفته، اما سوالات بی‌جواب:

- محتوای مذاکرات چی بود؟
- آیا توافقنامه‌ای امضا شد؟
- آیا سطح روابط به تبادل سفیر رسید؟
- آیا این دیدارها تداوم پیدا کرد یا مقطعی بود؟
- بعد از این سفرها، در مجامع بین‌المللی (مثل سازمان ملل یا عدم تعهد) ایران و اخوان رأی مشترک داشتند یا متضاد؟

صرف اینکه دو نفر همدیگر را دیدند، نشان‌دهنده همگرایی راهبردی نیست، ممکن است یک ملاقات تشریفاتی یا تاکتیکی باشد.

کمیته چهارجانبه سوریه (مصر، ایران، ترکیه، عربستان) / کتاب این را هم نشانه همگرایی آورده اما:

- این کمیته چه خروجی عملی داشت؟
- آیا همکاری اطلاعاتی یا امنیتی بین ایران و اخوان در سوریه شکل گرفت؟
- مانور مشترک یا هماهنگی نظامی وجود داشت؟

- یا صرفاً یه پیشنهاد بود که به جایی نرسید؟

بدون مشخص کردن سطح و عمق همکاری، نمی‌شود از آن به عنوان نشانه همگرایی یاد کرد.

حمایت اخوان از انقلاب ایران در ابتدا کتاب اشاره کرده که تصاویر امام خمینی در خیابان‌های قاهره ظاهر شد و مردم به خیابان آمدند، سوال این است:
- آیا این حرکت رسمی و سازمان‌یافته از سوی اخوان بود یا خودجوش مردمی؟
- آیا اخوان بیانیه رسمی صادر کرد؟
- آیا این حمایت تداوم پیدا کرد یا بعد از مدتی متوقف شد؟
- آیا به همکاری عملی (مثل تبادل هیئت، کمک مالی یا سیاسی) منجر شد؟

یه حرکت مقطعی و احساسی لزوماً به معنای همگرایی پایدار نیست.

وحدت‌گرایی ادعایی / کتاب می‌گوید اندیشه وحدت‌گرایانه بین ایران و اخوان مشترک است، اما مصادیق عینی:
- آیا اخوانی‌ها در کنفرانس وحدت اسلامی شرکت می‌کنند؟
- مقاله یا پیامی از سوی آن‌ها به کنفرانس وحدت رسیده است؟
- تبادل کتاب، نشریه یا هیئت فرهنگی وجود دارد؟
- فستیوال‌ها و رویدادهای مشترک برگزار شده است؟

اگر هیچ مصداق عینی وجود ندارد، صرف ادعای اشتراک در اندیشه کافی نیست.

راهکار پیشنهادی
تعریف دقیق مؤلفه‌های همگرایی و واگرایی: مثلاً همگرایی می‌تواند سطوح مختلف داشته باشد، همگرایی تاکتیکی (مقطعی)، همگرایی راهبردی (بلندمدت)، همگرایی ایدئولوژیک (بنیادین)؛ هر کدام نشانه‌های خاص خودش را دارد.
تبدیل پرسش‌ها از توصیفی به تبیینی، به جای «چیست» بپرسیم «چرا» و «چگونه» / ارزیابی کمی و کیفی رویدادها، صرف حضور یا عدم حضور کافی نیست، باید عمق، تداوم و نتایج را سنجید.

تأکید نهایی

این نکات به معنی نفی ارزش کتاب نیست. کتاب از نظر گردآوری داده، وسعت منابع و تجربه زیسته نویسنده یک اثر مرجع و ارزشمند است، این پیشنهادها صرفاً برای این است که در ویرایش‌های بعدی یا کارهای آینده، از یک اثر عالی، اثری بی‌نقص تر باشد، همانطور که پوپر کتابش رو ۲۲ بار بازنویسی کرد.

در بخش دیگر نشست نقد اثر، دکتر مختار شیخ حسینی به ایراد نکات خود پرداخته و بیان کرد:

نکات مثبت

- این کتاب ادامه یک پروژه فکری منسجم و تجربه عملی ارزشمند است، نه کار پراکنده
- نویسنده با وجود تعلق خاطر به اسلام سیاسی، تلاش کرده علاقه‌هایش را تعلیق کند

نقدهای اصلی:

محور اول: فقدان چارچوب تئوریک

کتاب فاقد یک الگوی نظری مشخص است (برخلاف آثاری مثل دکمجیان یا خورشید احمد)، داده‌ها بدون شابلون نظری کنار هم چیده شده‌اند.

محور دوم: معمای دولت ملی و جنبش فراملی (مهم‌ترین نکته)

- قبل از انقلاب: دو جریان اسلام‌گرای اپوزیسیون بودیم که مشترکات فکری داشتیم، طبیعی بود نزدیک شویم.
- بعد از انقلاب: ما یک دولت ملی شدیم که می‌خواهد با یک جنبش اپوزیسیون ارتباط برقرار کند، این ابهام نظری حل نشده، هرچه به مصر نزدیک شویم از اخوان دور می‌شویم و برعکس، نمی‌شود در کشوری سفارت داشت و همزمان با جنبش غیرقانونی آنجا مناسبات تنظیم کرد، این مسئله در کتاب پرداخته نشده است.

محور سوم: ایده منسجم اخوان

نمی‌توان گفت اخوان ایده منسجم ندارد، چون انقلاب ایران هم نظریه دولت‌اش قبل از پیروزی مشخص نبود، ساختارها در فرایند تجربه شکل گرفتند (مثل مجمع تشخیص).

محور چهارم: ارتباطات نهادی در برابر تجربه‌های شخصی

ارتباطات با اخوان (مثل مرحوم قمی، دارالتبلیغ، شهید نواب) بیشتر فردی بود تا نهادی ، تجربه‌های شخصی به نهاد ارتقا داده شده‌اند.

محور پنجم: بخش سلفیه

- جریان جهادی پیشینه‌ای قبل از خیزش‌های عربی داشت (القاعده، دهه شصت مصر)

- نسبت دادن «جمود» به ابن‌تیمیه نادرست است، او دنبال خروج از مذاهب و باز کردن فضای اجتهاد بود

محور ششم: النهضه و سیاست‌زدایی از اسلام

تفاوت اسلام‌گرایی نظریه‌پرداز با اسلام‌گرایی در قدرت, النهضه با ۲۰-۳۰٪ رأی مجبور به شراکت در قدرت شد، اما انقلاب ایران با ۹۸/۵٪ رأی توانست نظام تأسیس کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی میرزایی، عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی العالمیه،نیز در این نشست با تمجید از جایگاه پژوهشی کتاب «ایران، اخوان و خیزش‌های عربی»، این اثر را متنی دقیق و مرجع در حوزه اخوان‌پژوهی فارسی دانست که بستری جامع برای فهم عمیق مناسبات جریان‌های اسلامی و تحولات معاصر منطقه فراهم کرده است.

استاد جامعه المصطفی العالمیه در بخش دیگری از این نشست، کتاب را اثری مهم در حوزه اخوان‌پژوهی فارسی دانست و گفت: در مطالعات مربوط به اخوان، نمی‌توان از تجربه و پژوهش‌های خامه‌یار عبور کرد و این اثر می‌تواند به‌عنوان یک منبع و مرجع مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

وی بر ضرورت گسترش پژوهش‌ها در موضوعات کمتر بررسی‌شده تأکید کرد و افزود: لازم است مراکز پژوهشی از موضوعات تکراری فاصله گرفته و به سراغ مسائل چالش‌برانگیز و سرمایه‌های مغفول در این حوزه بروند.

میرزایی همچنین بر ضرورت بازنگری در تحلیل مناسبات ایران و اخوان تأکید کرد و افزود: همچنان این پرسش وجود دارد که تحلیل‌های ارائه‌شده درباره اخوان و نسبت آن با ایران تا چه اندازه دقیق است و برای ترسیم یک نقشه تحلیلی تازه، باید این مناسبات دوباره بررسی شود؛ لذا ضرورت تعریف دقیق مفاهیم، بیش از پیش احساس می‌شود.

عضو هئیت علمی جامعه المصطفی العالمیه به عنوان ناقد اثر، مباحث خود را در شش محور اصلی به شرح

زیر تبیین کرد:

جایگاه مرجعیت کتاب و تجربه زیسته مؤلف

کتاب آقای دکتر خامه‌یار به یک اثر مرجع در حوزه اخوان‌پژوهی تبدیل شده است؛ یعنی هر کسی می‌خواهد درباره اخوان‌المسلمین و رابطه‌اش با ایران تحقیق کند، ناچار باید به این کتاب مراجعه کند. اما نکته مهم‌تر این است که تجربه زیسته و میدانی ایشان (دیدارها و ارتباطات مستقیم با رهبران اخوان) حتی از متن کتاب غنی‌تر و ارزشمندتر است.

نگاه آینده‌پژوهانه و پیش‌بینی تحولات

فصل چهارم کتاب (حدود صفحه ۱۹۰ به بعد) بسیار جذاب است. ایشان پیش از تحولات اخیر منطقه، با تحلیل آرای اندیشمندانی مثل برنارد لوئیس و دیگران، و همچنین بررسی پروژه سایس-پیکو، تصویری از آینده منطقه، ایران و جهان اسلام ترسیم کرده است. این پیش‌بینی‌ها با داده‌های تحلیلگران عربی نیز تطبیق داده شده است.

هم‌پوشانی‌های تاریخی و تمدنی اخوان و انقلاب ایران

بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، اخوان‌المسلمین به عنوان اصلی‌ترین آلترناتیو سیاسی-تمدنی در جهان اسلام مطرح شد. قانون اساسی ۱۹۲۴ (یا ۱۹۲۶) اخوان نشان می‌دهد چقدر اشتراکات بنیادین با ایده‌های انقلاب اسلامی ایران دارد. این همپوشانی جای سؤال دارد که آیا اتفاقی بوده یا برنامه‌ای پشت آن قرار داشته است.

عدم‌قطعیت مثبت؛ نشانه شهامت علمی

نویسنده بین دو روایت «بیداری اسلامی» و «بهار عربی» مردد می‌ماند و هیچ‌کدام را قاطعانه رد یا تأیید نمی‌کند. این در نگاه اول ضعف به نظر می‌رسد، اما در واقع نشانه شهامت علمی و صداقت فکری ایشان است؛ چون واقعیت میدانی هم نشان می‌دهد که جریان‌های مختلف اخوان (مصر، تونس، سوریه، حماس) مواضع متفاوتی دارند و نمی‌شود همه را با یک برچسب ساده توصیف کرد.

فراخوان به بازنگری در نقشه تحلیلی ایران

نمی‌شود با قطعیت از تقرب‌های بنیادین اخوان و انقلاب اسلامی دفاع کرد. هزینه خودپنداری‌های دهه‌های اول انقلاب در قبال جریان‌های اسلامی منطقه زیاد بوده است. نیاز به یک نقشه تحلیلی جدید و بازنگری‌شده از مناسبات ایران و اخوان داریم و این کتاب بهترین نقطه شروع برای این بازنگری است.

لزوم فهم عمیق در مواجهه با جریان زیدیه یمن

همین مشکل در برخورد با یمنی‌ها هم دیده می‌شود. برخی در ایران نگاه احساسی و سطحی به جریان یمن دارند (مثل شعار «یاد بگیر از یمنی»)، اما جریان زیدیه یمن هویت فکری و توده‌ای خاص خودش را دارد که با تصورات رایج در ایران متفاوت است. این موضوع نیز نیازمند فهم عمیق‌تر و بازنگری در رویکردها است.

در بخش پایانی این نشست علمی اساتید و ناقدان اثر، این کتاب را یک مجموعه ارزشمند دانستند و در ادامه دکتر خامه یار به سوالات و ابهامات مطرح شده ناقدان، پاسخ دادند که مورد توجه حاضرین، اساتید قرار گرفت.